خبر

برگزاری رزمایش مشترک ضدتروریسم شانگهای در ایران

یک مقام سازمان همکاری شانگهای از برگزاری رزمایش مشترک ضدتروریسم کشورهای عضو این سازمان در ماه آتی در تبریز خبر داد.اولاربک شارشیف، مدیر ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم سازمان همکاری شانگهای روز جمعه گفت که رزمایش مشترک ضدتروریسم سازمان همکاری شانگهای تحت عنوان «سهند ـ ضدتروریسم ـ ۲۰۲۵» ۴ دسامبر (۱۳آذر) در ایران برگزار خواهد شد.خبرگزاری ریانووستی با انتشار این مطلب گزارش داد که شارشیف با اشاره به نتایج رزمایش ضدتروریسم سازمان همکاری شانگهای در تاجیکستان گفت: ساختار ضدتروریسم منطقه‌ای در حال تکمیل مقدمات رویدادهای نهایی رزمایش مشترک ضدتروریستی مراجع ذی‌صلاح کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای با عنوان «سهند ـ ضدتروریسم ـ ۲۰۲۵» است.وی اشاره کرد که این رزمایش مشترک و مراسم اختتامیه آن ۴دسامبر در نزدیکی تبریز برگزار خواهد شد.این مقام سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد: دعوت‌نامه‌ها و برنامه به‌زودی به شرکت‌کنندگان و ناظران این رزمایش ارسال خواهد شد.نمایندگان هفت کشور از اعضای این سازمان، شامل روسیه، ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان در این مرحله شرکت کردند.



با وجود تصویب پالرمو و سی‌اف‌تی در کشور، گروه ویژه اقدام مالی ایران را از لیست سیاه خود خارج نکرد!

پاسخ سیاه FATF





عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیرگروه سیاسی

گروه ویژه اقدام مالی در بیانیه اخیر خود در پایان نشست عمومی پاریس (۲۲ تا ۲۴ اکتبر ۲۰۲۵) تهران را همچنان در فهرست کشورهای پرخطر نگه داشته است. این تصمیم، علی‌رغم تصویب لوایح الحاق به کنوانسیون‌های پالرمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم به درخواست دولت و توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و تکمیل کامل ۴۱ مورد از خواسته‌های برنامه اقدام این گروه، نشان‌دهنده عمق چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیک این نهاد تحت کنترل آمریکا در تعامل با کشورمان است.

جالب آن‌که همزمان، گروه ویژه اقدام مالی نام چهار کشور آفریقایی،آفریقای جنوبی، نیجریه، موزامبیک و بورکینافاسو را از فهرست خاکستری خارج کرد که این دوگانگی معیارها، انتقادهای جدی کارشناسان را برانگیخته است.

داستان تعامل ایران با گروه ویژه اقدام مالی به نزدیک دو دهه قبل برمی‌گردد که ایران به اتهام آنچه ناکافی بودن رژیم مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم نامیده شد در فهرست سیاه این نهاد قرار گرفت. این قرارگیری، بخشی از فشارهای گسترده‌تر غرب بر ایران در چارچوب تحریم‌های هسته‌ای و همچنین دسترسی تهران به سیستم‌های مالی جهانی مانند سوئیفت قابل تحلیل بود. در دولت حسن روحانی و همزمان با پذیرش برجام، ایران تعهد سیاسی سطح بالایی برای اجرای خواسته‌های ۴۱ موردی گروه اقدام مالی را پذیرفت که شامل اصلاح قوانین داخلی، تقویت نظارت بر مؤسسات مالی و پیوستن به کنوانسیون‌های کلیدی بود. با این حال، به دلیل اختلاف بر سر تعاریف تروریسم و جرایم سازمان‌یافته که اغلب با سیاست‌های ایران و محور مقاومت همخوانی ندارد، پیشرفت‌ها کند شد. در سال‌های آخر دولت روحانی گروه ویژه اقدام مالی اقدامات احتیاطی را تشدید کرد و از اعضا خواست نظارت بر شعب بانک‌های ایرانی را افزایش دهند. سپس، با انقضای مهلت برنامه اقدام، اقدامات مقابله‌ای دیگری اعمال شد که شامل ممنوعیت تأسیس شعب جدید بانک‌های ایرانی در کشورهای عضو، الزام به گزارش‌های سیستماتیک تراکنش‌ها و افزایش حسابرسی خارجی بود. کارشناسان اقتصادی این فشارها را جنگ اقتصادی پنهان توصیف می‌کنند که هدفش، تضعیف استقلال مالی ایران است.

گام‌های کلیدی ایران: تصویب پالرمو و CFT

ایران در دولت حسن روحانی از مجموع ۴۱ خواسته fatf ۳۹ مورد را به مرحله اجرا گذاشت. تاسف بار آن‌که گروه اقدام مالی اجرای ۲۴ مورد از آن را مورد تایید قرار نداد. با این حال همواره در فضای سیاسی کشور اعتراض برخی جریان‌های سیاسی به عدم تصویب دو کنوانسیون باقی مانده یعنی پالرمو و سی اف تی شنیده می‌شد. این مسأله که بیشتر شائبه سوءاستفاده سیاسی را در پی داشت تا انتخابات سال ۱۴۰۳ نیز ادامه یافت.

اصرار دولت دکتر مسعود پزشکیان بر بررسی مجدد لوایح پالرمو (کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی) و مقابله با تأمین مالی تروریسم (سی اف تی) در مجمع تشخیص مصلحت نظام، به نقطه عطفی تبدیل شد. مجمع پس از جلسات فشرده در اردیبهشت و مهر ۱۴۰۴، هر دو لوایح را با حفظ حق شرط‌های مشروع تصویب کرد و رئیس جمهور نیز آنها را ابلاغ نمود.

با این دو تصویب، ایران به طور کامل ۴۱ مورد برنامه اقدام گروه ویژه اقدام مالی را پذیرفته و اجرا کرده است از جمله اصلاح بیش از ۲۰ قانون داخلی، ایجاد واحد اطلاعات مالی مستقل و آموزش بیش از هزاران کارشناس بانکی. با این حال، گروه ویژه اقدام مالی در بیانیه اخیر خود، این پیشرفت‌ها را ناکافی دانسته و بر قیدهای گسترده ایران در پالرمو ایراد گرفته و مدعی شده اجرای داخلی با استانداردهای آن همخوانی ندارد.

علاوه بر این، گروه ویژه اقدام مالی شش مورد کلیدی را برجسته کرده: (۱) جرم‌انگاری کامل تأمین مالی تروریسم بدون استثناء برای گروه‌های ضداستعماری؛ (۲) مسدودسازی دارایی‌های تروریستی بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد؛ (۳) رژیم شناسایی مشتری قابل اجرا؛ (۴) تحریم ارائه‌دهندگان غیرمجاز خدمات انتقال پول؛ (۵) اجرای کامل کنوانسیون‌های پالرمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم؛ (۶) تأیید اطلاعات کامل در حواله‌های بانکی. این موارد، عمدتا بر تعاریف غربی از تروریسم استوارند که گروه‌های مقاومت را هدف قرار می‌دهد، در حالی که حامیان واقعی مانند شبکه‌های مالی داعش در غرب نادیده گرفته می‌شوند.

دوگانگی معیارها؛ پاداش به بورکینافاسو، تنبیه ایران

در تضاد آشکار، گروه ویژه اقدام مالی در همان بیانیه، چهار کشور آفریقایی نیجریه، بورکینافاسو، موزامبیک و آفریقای جنوبی را از فهرست خاکستری خارج کرد فهرستی که نظارت افزایش‌یافته را الزامی می‌کند و دسترسی به وام‌های صندوق بین‌المللی پول را سخت‌تر می‌سازد.

گروه ویژه اقدام مالی هشدار داده که این کشورها باید پیشرفت‌ها را حفظ کنند اما انعطاف نشان‌داده شده به آنها در مقایسه با سختگیری بر ایران بر جنبه سیاسی تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. کارشناسان این مسأله را ناشی از استانداردهای دوگانه دشمنان می‌دانند که با وجود اقدامات صورت گرفته، ایران همچنان به دلایل سیاسی تنبیه می‌شود.

ریشه‌های سیاسی و فرصت‌های جهان غیرغربی

این تصمیم گروه ویژه اقدام مالی نه شکست فنی بلکه عبرتی دیگر از سوی نهادهای وابسته به آمریکا برای جریان‌های سیاسی داخلی است. تعاریف تروریسم در استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی، اغلب با قطعنامه‌های غربی همخوان است و معافیت ایران برای مقاومت علیه اشغال را به شدت رد می‌کند. این در حالی است که طبق گزارش‌های قطعی، بیش از ۷۰ درصد تأمین مالی داعش از منابع غربی بوده، اما گروه ویژه اقدام مالی بر ایران تمرکز کرده است. بنابراین نباید انتظار داشت که در برابر پذیرش خواسته‌های غرب ایران بتواند امتیاز دریافت کند. رفتار گروه اقدام مالی و نوع مراودات آمریکا و سه کشور اروپایی با ایران نشان می‌دهد مسئولان باید برای تنوع‌بخشی به شرکای تجاری (مانند چین و روسیه) و توسعه رمزارزهای ملی و استفاده از پول ملی در تبادلات تجاری برنامه‌ریزی جدی داشته باشند. ایران با عضویت در بریکس و سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند مسیرهای مالی جایگزین ایجاد کند. گروه ویژه اقدام مالی سال‌هاست ادعا می‌کند در صورت پیشرفت ملموس در روابط ایران و fatf اقدامات مقابله‌ای این نهاد تعلیق می‌شود. اما تجربه یک دهه گذشته نشان می‌دهد این رخداد، فراتر از مسائل فنی و نبردی ایدئولوژیک است. ایران می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و ائتلاف‌های منطقه‌ای، این چالش را به سکویی برای پیشبرد اهداف خود تبدیل کند. باید از امید به نهادهای غرب دست شست، جهان چندقطبی در حال شکل‌گیری است و نقش ایران در آن فزاینده خواهد بود، اگر مسئولان به آن باور داشته و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

برش

روسیه: آمریکا و اسرائیل مقصر وضعیت هسته‌ای ایران هستند

میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین دیروز طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: حدود سه هفته دیگر، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به پرونده هسته‌ای ایران رسیدگی خواهد کرد. برای اولین بار در ۱۰ سال گذشته، این کار در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ که دیگر وجود ندارد، انجام نخواهد شد. وی ادامه داد: مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این نشست، تنها یک گزارش در مورد اجرای توافق‌نامه جامع پادمان‌ها (CSA) ارائه خواهد داد.

اولیانوف تاکید کرد که این، «یکی از نتایج تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران است.» ساعاتی قبل از این اظهارنظر اولیانوف، نمایندگان ایران، روسیه و چین در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نامه‌ای به رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به پایان مدت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۲۶ مهرماه تاکید کردند که با توجه به این خاتمه، مأموریت گزارش‌دهی مدیرکل در مورد راستی‌آزمایی و نظارت تحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد پایان یافته است. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه درباره این نامه در ایکس نوشت: در این نامه، ضمن غیرقانونی خواندن اقدام سه کشور اروپایی در فعال کردن اسنپ‌بک اعلام شده که تمام مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر خاتمه یافته‌اند اما یک نکته کلیدی دیگر در این باره وجود دارد و آن در خصوص پایان گزارش‌دهی مدیرکل آژانس اتمی پیرامون راستی آزمایی و نظارت در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ و اجرای برجام است. به‌گفته غریب‌آبادی، در این خصوص در نامه تصریح شده است: در آژانس اتمی، راستی آزمایی و نظارت در ایران در پرتو قطعنامه ۲۲۳۱ و اجرای برجام، براساس قطعنامه ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ شورای حکام مقرر شده است. بند ۱۴ اجرایی این قطعنامه، بدون قید و شرط، تصریح می‌کند که شورا تصمیم می‌گیرد این موضوع را به مدت ۱۰ سال یا تا تاریخی که مدیرکل آژانس گزارش جمع‌بندی گسترده‌تر درخصوص ایران را منتشر کند، هرکدام که زودتر فرا برسند، در دستورکار خود نگه دارد. از این رو، آیتم مربوطه در دستورکار آژانس در این خصوص از ۱۸ اکتبر به‌طور اتوماتیک برداشته می‌شود و هیچ اقدام دیگری در این رابطه نیاز نیست.

یادداشت

کامران غضنفری | نماینده مجلس

دشمن را جسورتر نکنیم

به‌رغم تصویب لوایح «سی‌اف‌تی» و «پالرمو» در ایران، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نه فقط ایران را از فهرست سیاه خود خارج نکرد، بلکه اعضای خود را به تداوم اقدامات مقابله‌ای با کشورمان توصیه کرد. سال گذشته، زمانی که قرار شد لوایح سی‌اف‌تی و پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شود، تعدادی قابل توجه از نمایندگان مجلس با امضای نامه‌ای خطاب به مجمع، هشدار دادند که پذیرش سی‌اف‌تی چه عواقبی در پی خواهد داشت و چه مضرات و آسیب‌هایی می‌تواند برای ایران ایجاد کند. آنان تأکید کردند که این لوایح خاصیتی برای کشور نخواهد داشت. همچنین هشدار دادند که با پذیرش پالرمو و سی‌اف‌تی، ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف خارج نخواهد شد، زیرا تصمیم‌گیری در این نهاد بر پایه اجماع است و از آنجاکه آمریکا و رژیم صهیونیستی عضو آن هستند، هرگز موافقت نخواهند کرد ایران از فهرست سیاه خارج شود. این تذکرات بارها از سوی برخی نمایندگان در نطق‌های پارلمانی تکرار شد اما متأسفانه به این هشدارها توجه نشد.

در نهایت با وجود هشدارهای دلسوزان نظام، مجمع تشخیص مصلحت نظام لوایح پالرمو و سی‌اف‌تی را تصویب کرد. نتیجه اقدام ایران این شد که روز جمعه اف‌ای‌تی‌اف رسما اعلام کرد ایران از فهرست سیاه خارج نخواهد شد و شروطی را که ایران برای پذیرش این لوایح مطرح کرده بود، نپذیرفت. این مسأله دقیقا همان چیزی بود که منتقدان پیش‌تر هشدار داده بودند. به این ترتیب، نه فقط خروجی مثبتی حاصل نشد، بلکه زمینه خصومت و دشمنی بیشتر دشمنان نیز فراهم شد. اقدام به تصویب لوایح مذکور آن هم در شرایط فعلی به‌سادگی به‌عنوان ارسال سیگنال ضعف و انفعال تلقی می‌شود و در نتیجه آنها را در تداوم و حتی شدت بخشیدن به مواضع خصمانه خود جسورتر و گستاخ‌تر می‌کند. رهبر معظم انقلاب پیش‌تر درباره موضوع شفافیت مالی تأکید کرده بودند که به‌جای راهکارهایی که غربی‌ها با اهداف خاص خود پیشنهاد می‌دهند، باید نظام شفافیت مالی بومی و مستقل در کشور ایجاد شود؛ اقداماتی همچون برخورد با تخلفات مالی در نظام بانکی ـ نظیر ماجرای بانک آینده ـ می‌تواند نمونه‌ای از این مسیر جایگزین باشد. مسیر اصلاح اقتصاد کشور باید بر پایه استقلال و ابتکار داخلی شکل گیرد، نه ادغام در نظام مالی غربی. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی پیش‌تر و طبق توصیه‌های مقام معظم رهبری، قوانینی همچون «شفافیت مالی»، «مقابله با پولشویی» و «مبارزه با تروریسم» را تصویب کرده بود. بنابراین کشور در این زمینه قوانین داخلی لازم را در اختیار دارد و نیازی به پیوستن به کنوانسیون‌های خارجی که دست‌پخت آمریکا و متحدانش است، وجود ندارد.

یادداشت

سینا واحد | نویسنده و منتقد

امپراتوری باطنی ایران

نشانه‌ها، سخن می‌گویند. نشانه‌ها همیشه با قدرت و سرور سخن می‌گویند؛ سخن از یک حادثه یا سخن از یک روشنایی غیرمعمول یا سخن از یک تاریکی غیرقابل پیش‌بینی! با وجود این، کمتر به مفهوم نشانه‌ها توجه می‌شود و کمتر مورد تفسیر و کاوش تاریخی و اجتماعی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال: هنگامی که سرمای طبیعی فصل زمستان در کشاکش نبرد انقلاب اسلامی با حکومت نظامی شاه، آنچنان کاهش پیدا کرد که گویی فصل بهار است و سرمایی و زمستانی وجود ندارد! عقل و احساسات جمعی مردم در خیابان و خانه‌ها به سرعت این کاهش غیرقابل باور سرما را نشانه آشکار «بهار» و فروپاشی حکومت شاه و پیروزی انقلاب تفسیر کردند و با ساختن شعارهای زیبا این باور ذهنی را به روزگار میهن و آسمان و زمین ایران اعلام کردند و سپس به یک حقیقت تاریخی بدل گشت و بهار جاودان تاریخ ایران زمین شد. هم اینک روزگار سرنوشتی ایران بزرگ در برابر یک رویداد بی‌بدیل و بی‌نمونه در تمامی کشورها و ملت‌های جهان، هم‌آغوش و همراه شده است که هیچ پیشگو و پیشکسوت و باتجربه‌ای نمی‌توانست. هم اینک در تلاطم قدرت‌ها و جریان‌های پیدا و آشکار سیاست‌های ورزشی کشورها، جهان ورزش و ورزشکاران و از آن پراهمیت‌تر همه رسانه‌های ورزشی کره زمین، شاهد یک خبر هیجان‌انگیز جهانی شدند که عبارت بود از «قهرمانی ایران، در دو رشته کشتی». و این خبر، از آن دسته یا گروه مفهومی اخبار نبود که قدرت فریبکاری رسانه‌های جامعه جهانی دشمن ایران، بتوانند با آن «بازی مهندسی خبر» کرده و پیام و محتوای آن را از شخصیت جهانی ایران زمین جداسازی کنند. بنابراین بهتر است این تعبیر را به کار ببریم و بگوییم: در برابر «خبر قهرمانی کشتی» زانو زدند و تسلیم خبر و پیام آکنده از قدرتمندی و قلدری و البته «امپراتوری باطنی» آن شدند و این نشانه‌ای بزرگ و آشکار، از «قهرمانی ایران زمین» در عرصه همه نبردها، رویارویی‌ها و شمشیربازی‌های جهان است. همان‌طور که زمستان نبرد انقلاب میهن‌پرستان در سال ۵۷ با نشانه پر قدرت بهار همراه شد تا به جهان بگوید پیروزی و آینده در دستان پر ایمان و میهن‌پرست محبان و عاشقان خمینی است؛ این خبر هیجان‌ساز قهرمان ـ کشتی ـ نشانه‌ای پرکلام و سخن قدرتمندانه از شکوه قهرمانی و پهلوانی ایران امام رضایی در آینده‌ای نزدیک‌تر از نزدیک است. آری، همه دلسوزان و دوستداران «ایران مقتدر» بدانند اگر نبردی با پرچمداران ابلیس رخ دهد؛ قدرت و هیجان میهن‌پرستان امام رضایی «قهرمان جهانی» را در آبی آسمان، زمین و آبی آب‌های دریاها، چونان درخشش بی‌پایان ذوالفقار امپراتوری باطنی ایران، درخشنده خواهد ساخت و دژکامان و دژخویان ضدبشر و میهن را به اعماق ناپیدای دره‌های خشم آتشین، تبعید خواهد کرد.

یادداشت

محمدحسن قدیری ابیانه | کارشناس مسائل سیاسی

شفافیت مالی بدون اعتماد به FATF

FATF اعلام کرده است که نه تنها ایران از لیست سیاه خارج نخواهد شد، بلکه از کشورهای مختلف و بانک‌ها خواسته شده اقدامات بیشتری را علیه ایران انجام دهند. این در حالی است که پیش‌تر به‌صورت آگاهانه هشدار داده می‌شد پیوستن به CFT و پالرمو هرگز موجب خروج ایران از لیست سیاه نخواهد شد. دلیل آن نیز بسیار ساده است: در این نهادها تصمیم‌ها به اتفاق آرا گرفته می‌شود و بنابراین، انگلیس، آمریکا و اسرائیل نیز باید به نفع ما رأی مثبت دهند. آیا کسانی که بر تصویب این لوایح اصرار داشتند، از این واقعیت بی‌اطلاع بودند؟ آیا انتظار داشتند اسرائیل به نفع ایران رأی دهد؟ کسانی که بر تصویب این لوایح پافشاری می‌کردند، امروز باید پاسخگو باشند. در واقع، پیوستن به چنین معاهداتی به‌طور کلی به ضرر ماست، چراکه در این صورت تمام تراکنش‌های مالی ایران برای آمریکا، انگلیس، اسرائیل و دیگر دشمنان کشور شفاف می‌شود. آنان از این شفافیت و دسترسی لحظه‌ای به اطلاعات مالی برای جلوگیری از دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌کنند.

اطلاعات مالی تنها برای تحریم‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند منجربه شناسایی مراکز حساس، شخصیت‌های رده‌بالا، ترور و حتی خرابکاری شود. شفافیت مالی در ذات خود امر مثبتی است اما نه برای دشمنان، بلکه برای داخل کشور. شفافیت باید برای بانک مرکزی باشد، نه برای وزارت خزانه‌داری آمریکا و اسرائیل و سایر دشمنان. آمریکا و کشورهای اروپایی در حالی بر طبل ضرورت شفافیت مالی در ایران می‌کوبند که خودشان به‌عنوان اعضای FATF به هیچ‌وجه شفاف عمل نمی‌کنند و منابع و روش‌های تزریق میلیاردها دلار حمایت‌های مالی آنها از منافقین، تروریست‌ها و تجزیه‌طلبان و صهیونیست‌ها غیرشفاف است. قوای سه‌گانه کشور طبق فرمایشات مکرر معظم رهبری برای مبارزه با فساد و شفاف‌سازی روابط مالی باید قوانین لازم را برای ایجاد شفافیت مالی در داخل کشور مصوب و اجرا کنند به گونه‌ای که اطلاعات مالی همه نهادها در اختیار یک مرجع خاص مثل بانک مرکزی قرار بگیرد و طبیعتا البته باید این اطلاعات در چارچوب قانون و طبقه‌بندی‌شده محافظت شوند تا دشمنان به آن دسترسی نداشته باشند.

یادداشت

حجت‌الاسلام سیدمصطفی میرلوحی | عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)

مروری کوتاه بر شخصیت جامع الاطراف مرحوم مهدوی‌کنی

مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی قبل از آن‌که رجل سیاست باشند، رجل دین بودند؛ زیرا برخی از شخصیت‌ها در جریان حوادث روزگار و حضور در مبارزات و صحنه‌های سیاسی و پذیرفتن مسئولیت در نظام، به‌صورت چهره‌های سیاسی جلوه می‌کنند، اما حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی پیش از ورود به این مسائل اصولا رجل دین، عالمی ربانی، فقیه، فیلسوف و مفسر قرآن مجید بودند. ورود ایشان به عرصه سیاست، چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، از باب تکلیف بود؛ اگر وارد مبارزات شدند، آن زندان‌ها، آن تبعیدها، آن شکنجه‌ها و تحمل سختی‌ها همه ناشی از احساس تکلیف بود؛ والا، اگر تکلیف نبود ایشان جایگاه خود را در حوزه علم و تعلیم و تربیت می‌دانستند؛ یا در حوزه‌ای مانند مروی یا در محافل تربیتی و تبلیغی و دینی مانند مسجد جلیلی یا حتی در برخی مؤسسات تربیتی برای جوانان، همچون مجمع صادقیه که در آنجا نیز به کلاس‌های عقیدتی، دینی، معارف، شعائر و سبک زندگی اسلامی و شیعی و اهل‌بیتی مشغول می‌شدند.

بنابراین ایشان ذاتا و در درجه اول رجل تعلیم، تربیت و تبلیغ دین بودند، اما به‌خاطر ضرورت، نیاز و اضطرار وارد مسائل سیاسی شدند؛ چه مبارزات پیش از انقلاب و چه پذیرش مسئولیت پس از انقلاب. تمامی تکالیف سیاسی‌ای که ایشان پذیرفتند، بلااستثنا به امر امام (ره) بود؛ از آن اولین عضویت در شورای انقلاب پیش از پیروزی تا نخستین مسئولیتی که پس از پیروزی یعنی روز ۲۳ بهمن برعهده گرفتند، جنبه تربیتی شخصیت ایشان بارز و مشخص بود.

نباید فراموش کرد که اولین حکم انتصابی امام خمینی(ره) پس از پیروزی انقلاب، از روز بیست‌وسوم بهمن ۱۳۵۷، حکمی بود که طی آن آیت‌الله مهدوی‌کنی به‌عنوان مسئول اولین نهاد انقلاب به‌نام «کمیته انقلاب اسلامی» منصوب شدند. اهمیت این حکم از آنجا آشکار می‌شود که در شرایط خلأ قدرت ناشی از فروپاشی رژیم ستم‌شاهی و انحلال نهادها، تنها قدرت و نیروی انقلابی و رسمی، کمیته‌های انقلاب بود. وسعت کار نیز بسیار زیاد بود؛ به‌گونه‌ای که حدود ۱۵۰۰ کمیته خودجوش در مساجد و محلات تشکیل شده بود. شرایط پیچیده انقلاب اقتضا می‌کرد که امام به ایشان تکالیف دیگری نیز محول کنند، از جمله عضویت در شورای انقلاب، وزارت کشور و نخست‌وزیری در شرایطی که اعضای حزب جمهوری اسلامی و شخصیت‌های بلندپایه نظام یعنی شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر مورد ترور قرار گرفته بودند. این وضعیت در حالی بود که دشمنان و منافقان بسیاری حتی برخی ائمه جمعه را در محراب عبادت به شهادت رسانده بودند و کشور در حالت بحرانی قرار داشت. هرگاه تکلیف و وظیفه حکم می‌کرد، ایشان مسئولیتی می‌پذیرفت و هرگاه فرد دیگری توانایی برعهده‌گرفتن آن مسئولیت را داشت، ایشان دوباره به دانشگاه و سنگر تعلیم و تربیت بازمی‌گشتند.

نمونه‌ای بسیار بارز و الگویی نیکو برای رجال سیاست و خدمت، گذشت ایشان از مقام نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری در رخدادهای سال ۱۳۶۰ است. درباره تسلط ایشان بر فقه و شخصیت علمی او همین بس که امام خمینی(ره) در پاسخ به نامه هیات‌های موتلفه هم شفاها و هم کتبا، در زمان تبعید برای کسب تکلیف به چه کسی مراجعه کنند، نوشته بودند که «به جناب آقای مهدوی‌کنی مراجعه کنید که ایشان با ما قریب‌الفتوا هستند.» همچنین برای گواهی بر تسلط مرحوم کنی بر فلسفه اسلامی، مرقومه فیلسوف بزرگ شیعه، مرحوم سیدجلال‌الدین آشتیانی، کافی است؛ ایشان نوشته بودند که در تهران دو شخصیت در فلسفه اسلامی ممتازند: یکی آیت‌الله مهدوی‌کنی و دیگری برادرشان آیت‌الله باقری‌کنی. همچنان که جایگاه ایشان نزد آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله العظمی گلپایگانی، علامه طباطبایی و دیگر بزرگان حوزه در قم و نجف، جایگاهی رفیع بود؛ و هنوز پس از ۱۱ سال از رحلت ایشان، وزانت جایگاه ایشان نزد مقام معظم رهبری و همه مراجع قم و نجف روشن، بارز و آشکار است.

از ویژگی‌های فردی ایشان نیز باید گفت، شاید برای جوانان و نوجوانان این بخش جذاب‌تر و لطیف‌تر باشد: ما بیش از سی و چند سال شبانه‌روزی در خدمت ایشان بودیم؛ به‌عنوان شاگردان، در خانه و سفر، در حوزه و دانشگاه، در محافل تربیتی، در عرصه اجتماع و مسجد و عبادت و سیاست از نزدیک همراه و در خدمت ایشان بودیم. ایشان شخصیتی بسیار متواضع، مَتَخلق، دوست‌داشتنی و اخلاقی با چهره‌ای لبخندآمیز و مَلیح و برخوردی باحیا بود؛ انسانی باطراوت و لطیف که هرگاه به او نظر می‌کردی، گویی به چهره انبیا و اولیای الهی نظر افکنده‌ای و یاد خدا و یاد ابرار و نیکان و بزرگان در ذهن آدم زنده می‌شد.

متن کامل یادداشت را در «جام جم آنلاین» بخوانید

متن کامل